

عقل عاطفی در آموزه های اسلامی با تأکید بر کارکردهای تربیتی - روانشناختی آن

علی نقی فقیهی^۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی توانمندی های عقل عاطفی و کارکردهای تربیتی - روانشناختی آن است. این پژوهش از تحقیقات کیفی است که با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی ارتقای کارکرد عقل و آثار تربیتی - روانشناختی آن بررسی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که در آموزه های اسلامی، عقل سرچشمه عاطفه است، و جهت بهینه سازی کارکرد عقل با کمک گرفتن از وحی، علم و تجربه، ابعاد عقل را باید، به صورت هماهنگ، پرورش داد. کارکردهای تربیتی - روانشناختی عقل شامل جنبه های شناختی، عاطفی و عملکردی است که پرورش هماهنگ آنها مترقی را به فعالیت های شایسته و مطلوب سوق می دهد و زمینه را برای نیل به حیات طیبه جاوید و قرب و رضوان الهی فراهم می آورد. کلید واژه ها: عقل عاطفی، توانمندی های عقلانی، کارکردهای تربیتی - روانشناختی.

مقدمه

پایه هستی انسان عقل است (۱) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵) و همین پایه اساسی او را متمایز و اشرف از سایر مخلوقات ساخته است. و در صورت پرورش از طریق فراگیری علم و تجربه اندوزی (۲) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۱)، تفکر (۳) (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۲۰۷)، تعلم (۴) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹)، تذکر و عبرت آموزی (۵) (رضی، ۱۴۱۴: خ ۸۳، ۱۰۹) و اعانت از وحی (۶) (دشتی، ۱۳۸۱: خ ۱)، می تواند انسان را در فرآیند تربیت و مسیر سعادت جاوید هدایت کند. در آموزه های اسلامی ما، عقل بشری به عنوان محبوبترین مخلوق (۷) (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۹۲)، افضل نعمات خداوند (۸) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۴) و اینکه ارزش انسانی او به عقل او است (۹) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۰۰)، شمرده می شود. همچنین عقل آدمی رسول باطنی اوست (۱۰) (همان: ۲۷) که با هماهنگ سازی بعد شناختی و عاطفی، در جهت انتخاب عملکردهای تربیتی مناسب در مسیر کمال گام برمی دارد. در متون اسلامی، عقل به عنوان اساس دین (۱۱) (پاینده، ۱۳۸۲: ۶۰۲)، رهوارترین مرکب (۱۲) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۳)، انس گیر (۱۳) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷)، مردم دوست (۱۴) (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۵)، آن هم بهترین دوست (۱۵) (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴)، استقبال کننده از نظرهای گوناگون و عاقبت اندیش (۱۶) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۱۷۶)، تجربه اندوز (۱۷) (دشتی، ۱۳۸۱: نامه ۳۱، ۱۶۱)، هدایت گر و نجات دهنده (۱۸) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۴)، عامل فائق آمدن به مشکلات زندگی (۱۹) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۷)، معیار و میزان برای تقرب الی الله (۲۰) (صدوق، ۱۴۰۳: ۲) و کسب پاداش (۲۱) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۸۴)، دستیابی به قدرت و شادی (۲۲) (همان، ج ۷۵، ۷)، رضایت خدا و بهشت (۲۳) (صدوق، بی تا، ج ۴، ۳۶۹) و حتی

سبقت گرفتن از دیگران، در رفتن به بهشت (۲۴) (ورام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۱۳) معرفی گردیده است. در این پژوهش برآنیم تا به بررسی عقل عاطفی بر اساس آموزه‌های اسلامی و نقش آن در تعلیم و تربیت بپردازیم. به عبارت دیگر این که عقل از چه توانمندی‌هایی برخوردار است و چگونه می‌توان این توانمندیها را بارور ساخت و کارکرد عقل را ارتقا داد؟ و آثار تربیتی - روانشناختی آن کدام است؟ مسائل مورد بررسی و تحلیل در این تحقیق است.

روش شناسی

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از فرم‌های فیش برداری از منابع مرتبط استفاده می‌شود و پس از جمع‌آوری با شیوه‌های کیفی به تجزیه و تحلیل بُعد عاطفی عقل در کنار بُعد شناختی پرداخته و کارکرد تربیتی - روانشناختی عقل در پرورش هماهنگ این دو بعد بررسی خواهد شد.

عقل فطری و عقل تجربی

در آموزه‌های اسلامی عقل فطری، توانمندی است که با دانش و تجربه افزایش می‌یابد (۲۵) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۹۱). این توانمندی‌ها شناختی، عاطفی و عملکردی هستند (۲۶) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۶۴۳). در حقیقت عقل همان نفس مدرکه انسان است که جنبه‌ی ادراکی و عاطفی را با هم دارد و در عین حال منشأ رفتار می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۳۸۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۱۶). این عقل با کمک گرفتن از وحی، علم و تجربه، می‌تواند پرورش و ارتقا یابد و به صورت عقل متکامل در آید و منافع آدمی را در حیطه‌های گوناگون مسیر حرکت به سوی سعادت، تأمین نماید (۲۷) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۶).

در توضیح باید گفت: عقل فطری که توانمندی طبیعی است، وجود نورانی اش در انسان‌ها خدادادی و بالفعل است و نور افشانی دارد (۲۸) (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ج ۱، ۲۴۸) و با استفاده از وحی و هدایت‌های انبیا، علوم و تجربیات بشری، توانمندیها و ظرفیت‌هایش را بالا می‌برد و موجب ارتقای کمالی انسان می‌شود (۲۹) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵)، نقش انبیا در باروری عقل بسیار با اهمیت است؛ زیرا هم با تعلیم کتاب و حکمت «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (بقره، ۱۲۹) و هم با اعطای حکمت «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ» (لقمان، ۱۲) (۳۰) عقل از امدادهای مستقیم و غیرمستقیم الهی در افزایش ادراکات علوم خاص و امور غیبی و روشن‌سازی راه‌های سعادت‌مندی بهره‌مند می‌شود.

بنابراین عقل تجربی نوع دیگری در برابر عقل فطری نیست بلکه همان عقل طبیعی است که از وحی و تجربیات بشری بهره‌مند و مجرب شده است. در حقیقت، براساس آموزه های اسلامی، عقل فطری و عقل تجربی دو نوع عقل که ماهیت جدایی داشته باشند، تلقی نمی‌شود بلکه هر یک از مرحله ای از فرآیند عقل بشری حکایت دارند یعنی به توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی که به صورت طبیعی در روح آدمی سرشته شده است، عقل فطری گفته می‌شود و به هنگامی که این توانمندی‌ها، به میزانی شکوفا می‌شوند و کارآمد می‌گردند، عقل طبیعی فطری مجرب تر می‌گردد. این فرآیند بالفعل شدن و پرورش یافتن، عقل تجربی نامیده می‌شود. و به تعبیر دیگر عقل تجربی، همان عقل فطری است که به تدریج و در شرایط گوناگون رشد آدمی تقویت می‌شود و به صورت نسبی کمال می‌یابد.

در روایت امام علی علیه السلام (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۶)، در تبیین عقل طبیعی و عقل تجربی چنین مطرح شده است که تفاوت این دو در میزان درک و معرفت است و باید آدمی برای ارتقای معرفت عقلانی تلاش کند و در حقیقت کسی که فعالیت عقلانی

برای افزایش معرفت و کامل کردن درک خویش ندارد، اصلاً عاقل شمرده نمی‌شود لذا امام علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْحَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَ لَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ حَيْرَ الشَّرِّينَ» مسلماً منظور این نیست که کسی که خیر را از شر تشخیص می‌دهد از عقل طبیعی برخوردار نیست، بلکه مراد این است که به مصداق آیه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» (شمس، ۷-۸) هر آدمی به صورت طبیعی و فطرت خدادادی خیر را از شر تشخیص می‌دهد ولی آنچه برای آدمی ارزشمند است آن است که خود برای افزایش معرفت خویش تلاش کند و در باب تزاحم دو شرّ اینکه کدامیک برای هدایت و سعادت انسان مفیدتر است تشخیص دهد و در این صورت است که عقل کمال پیدا کرده است و هنر فرد عاقل آشکار می‌گردد.

عقل تجربی، در حقیقت آن مرحله از فرآیند کمال عقلی است که مصداق ذی حجر و اولی النهی یا ذوی النهی می‌شود و به مصداق «وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى» (نازعات، ۴۰) مانع ارتکاب اعمال ناشایستی می‌گردد که نفس انسانی را سقوط می‌دهند. (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷، ۱۱۶).

ذی حجر به معنی عاقلی است که به صورت نسبی کمال یافته است و از آثارش این است که فراگیری علمی‌اش خوب است و در حفظ و نشر دانش تلاش جدی دارد و آن را در زندگی عملیاتی می‌سازد. (۳۱)

«اولی النهی»، نیز، به صاحبان عقل کمال یافته می‌گویند و چون ائمه علیهم السلام در بالاترین مرتبه کمال عقلی هستند مصداق اکمل اولی النهی هستند، همانطور که در روایت از امام صادق علیه السلام درباره آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ» (طه: ۵۴) سؤال شد، آن حضرت فرمود: به خدا قسم اولوا النهی ما هستیم: «نحن والله اولوا النهی» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ۳۸۲).

در روایات اهل بیت علیهم السلام توانمندی‌های عقل فطری که باید پرورش یابد، و با

تجربیات متکامل گردد؛ بسیار گسترده است مجموعه‌ی این توانمندی‌ها را می‌توان در سه دسته توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی دسته بندی کرد. در اینجا قابل ذکر این است که همگان اذعان دارند که عقل جنبه‌ی شناختی و عملکردی دارد (فقیهی، ۱۳۸۹: ۲۱). از اینرو فیلسوفان عقل را به نظری و عملی تقسیم کرده‌اند (۳۲). به نظر می‌رسد در این رابطه به چهار نکته‌ی اساسی زیر باید توجه شود:

۱- در انسان یک قوه عاقله وجود دارد که هم حقایق موجود و آنچه در شأنش وجود یا عدم است، ادراک می‌کند و هم خوبی و بدی رفتار آدمی را با توجه به فطرت آشنا به خوبی‌ها و بدی‌های و نتایج سعادت‌ی یا شقاوتی که به بار می‌آورند، درک می‌کند. فیلسوفان اولی را عقل نظری و دومی را عقل عملی نامیده‌اند. در هر دو چهره درک وجود دارد و در چهره عقل عملی درک به جزئیات هم گاه وجود دارد و رفتار مشخصی از آدمی مصداق خوبی و بدی تلقی می‌گردد. علاوه در چهره عقلی درک امور عاطفی و زیبایی‌ها و زشتی‌ها، بایدها و نبایدها و دوست داشتن زیبایی‌ها و نفرت نسبت به بدی‌ها وجود دارد، تحریک به عمل و انجام رفتار و یا کنترل و بازداري از عمل و رفتار، نیز، وجود دارد (۳۳) (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۲۲).

۲- به میزانی که چهره نظری عقل تقویت شود و حقایق بیشتر برای آدمی کشف گردد، چهره عملی عقل کارآمدتر در درک خیرها و خوبی‌ها، تطبیق رفتارها بر آنها، و عملیاتی کردن خوبی‌ها و مانع شدن از صدور بدی‌ها است. در حقیقت این نظریه که بایدها و نبایدها از هست‌ها برمی‌خیزند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۹۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۴۰۶) تأیید می‌شود.

۳- با توجه به گستره توانمندی‌های عقل، هوش در اصطلاح روانشناسی معاصر که بر توانایی در یادگیری و یکپارچه عمل کردن، تفکر منطقی و توانایی ارتباط با دیگران، سازگاری با محیط و فهم‌های دیگر، اطلاق می‌شود (برونو، ۱۳۷۳: ۳۴۱)

زیرمجموعه عقل است. و در حقیقت در روانشناسی به برخی از کارکردهای عقل به نام هوش توجه کرده و روز به روز دامنه آن در تبیین روانشناسی گسترده تر می شود و از این رو است که جدیداً سه دسته از هوش را با نامهای IQ، EQ و SQ مطرح کرده اند که این هماهنگی با همان برداشت جامعی است که در آموزه های اسلامی از عقل مطرح گردید. از همین رو در احادیث اسلامی، فطنه و کیاست به مفهوم هوش، زیرکی و فهم از عقل دانسته شده است. (۳۴)

۴- نکته ی مهمی که اهل بیت علیهم السلام به آن توجه داده اند این است که عقل جنبه ی عاطفی هم دارد و خدا عاطفه را در اصل وجودش، سرشته است (۳۵) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۲). در حدیث مشهور جنود عقل و جهل، از میان ۷۵ صفت عقل، ۶۷ صفت عاطفی ذکر گردیده است (همان، ص ۲۱ و ۲۲) و در روایات متعددی سرچشمه صفاتی مانند: حبّ و مودت (۳۶) (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۲، ۳۵)، رحمت، رأفت، رفق (۳۷) (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۴۲۷) و دیگر ویژگی های عاطفی عقل دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۰۷).

از شواهدی که عقل از دیدگاه اسلامی جنبه شناختی عاطفی دارد و منحصر به جنبه شناختی نیست این است که قرآن کریم، وسیله عقل ورزی در انسان را قلب و دل معرفی می کند: «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارَ وَ لَكِنَّ تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶)؛ همچنین، در توصیف اهل جهنم، می فرماید: «... لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹). همچنین، قرآن، احساسات و عواطف زیادی را به قلب درک کننده و عقل ورز نسبت می دهد، نظیر:

رأفت و رحمت (حدید: ۲۷)، اطمینان (نحل: ۱۰۶)، خضوع (حج: ۵۴)، خشیت و

انابه و بازگشت به حق (ق، ۳۳)، محکم شدن (انفال: ۱۱)، الفت یافتن (آل عمران: ۱۰۳)، خیردار شدن (انفال: ۷۰)، تطهیر و پاک گشتن (احزاب، ۵۳)، هدایت (تغابن: ۱۱)، مورد امتحان واقع شدن برای حفظ بیشتر (حجرات: ۳)، تزیین و محبت به خوبیها (حجرات: ۷)، نرمی (زمر: ۲۳)، مرض دار شدن (احزاب: ۲۳)، انحراف (توبه، ۱۱۷)، کوری (حج: ۴۶)، مهر و قفل شدن (غافر: ۳۵)، اغفال (کهف: ۲۸) شك (توبه: ۴۵)، نفاق (توبه: ۷۷)، انصراف از حق (توبه: ۱۲۷)، انکار حق (نحل: ۲۲)، انحراف (تحریم: ۴)، پرده و حجاب (اسراء، ۴۶)، زنگار (مطففین: ۱۴)، سختی و سنگینی (یونس: ۸۸)، قساوت (بقره: ۷۴)، غیظ (توبه: ۱۵)، تنفر (زمر: ۴۵)، ابا (توبه: ۸)، رعب (آل عمران: ۱۵۱)، ترس (نازعات: ۸)، غل و صفات رذیله (حشر: ۱۰)، خشونت (آل عمران: ۱۵۹)، تزیین به بدیها (فتح، ۱۲)، حسرت (آل عمران: ۱۵۶)، حمیت جاهلیت (فتح: ۲۶)، اشراب از حجت های ناروا (بقره: ۹۳)، پراکندگی قلوب (حشر: ۱۴)، لهو و بی خبری (انبیاء: ۳)، فرو رفتن در جهل و بی خبری (مؤمنون: ۶۳).

از مجموع این آیات، استفاده می شود که قلب جایگاه عواطف است و این همان عقل ورزی است که با مجموعه ای از گرایش ها و بینش ها همراه است. و از اینروست که واژه عقل بر ادراک که جنبه عاطفی و تصدیق قلبی را هم دارد؛ اطلاق می شود (طباطبائی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۴۹).

کارکردهای عقل در تعلیم و تربیت

کارکرد، در ادبیات علوم اجتماعی به معنای اثر و نقش است (فصیحی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) و منظور از کارکرد تربیتی و روانشناختی عقل، در این مقاله، نقش مثبتی است که بصورت پنهان و غیرمقصود یا آشکارا و مقصود در تحولات و تغییرات پایدار

شناختی، عاطفی و عملکرد آدمی دارد و زمینه نیل به اهداف والای زندگی را فراهم می‌سازد.

از دیدگاه اسلامی عقل سه دسته کارکرد مهم در تعلیم و تربیت دارد: الف: در بعد شناخت و باور. ب: در بعد عواطف و گرایش‌ها. ج: در بعد عمل و رفتار. در ذیل به تبیین آنها پرداخته می‌شود.

الف: اولین کارکرد عقل در تعلیم و تربیت این است که می‌تواند از حجت‌های باطنی و ظاهری، بهره‌مند شود و به حقایق امور ادراک و معرفت پیدا کند و حق را از باطل تشخیص دهد و به جهانی‌بینی صحیح، دست یابد. این کارکردها به صورت‌های زیر قابل تبیین است:

دین‌شناسی: عقل است که دین را می‌شناسد و دین‌سالم از غیر سالم را تشخیص می‌دهد (۳۸) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۸). محورهای اساسی دین همچون: شناخت خدا و صفات کمالیه‌ی او (۳۹) (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۱، ۲۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹) و تدبیر نظام هستی توسط او (۴۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹)، ادراک حق بودن معاد و لزوم نبوت و شناخت حجت و خلیفه‌ی الهی (۴۱) (همان: ۲۵) همه از درک عقلی سرچشمه می‌گیرد.

عقل، انسان را در راه شناخت خدا و اوصاف او، یاری می‌دهد و با استفاده از مقدماتی که با تفکر در آیات انفسی و آفاقی به دست آورده، بر وجود خداوند و حقیقت او استدلال می‌کند و سپس به شناخت پیامبر و امام به عنوان خلیفه‌ی الله و خوبی‌ها و بدی‌ها و در نهایت به شناخت دین و راه و روش زندگی می‌پردازد (۴۲) (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۱، ۴؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۸۳ و ۴۵۲) و می‌فهمد چرا به دنیا آمده و چه هدفی را باید دنبال نماید و چه مسیری را در زندگی باید بپیماید (۴۳) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵).

۲. انسان شناسی: انسان شناسی از سودمندترین علوم و از مهمترین توانمندی های عقل محسوب می شود (۴۴) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ص ۷۱۲) زیرا با چنین شناختی می توان به نهایت هر دانش و معرفتی راه پیدا کرد (۴۵) (همان: ۶۵۰). عقل با سیر در نفس آدمی را از اسارت های معرفتی آزاد می سازد و از هر چه او را از نیل به سرمنزل مقصود باز دارد، رها می کند (۴۶) (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۳). همچنین حق پذیری، کمال دوستی، لذت جاوید خواهی و شناخت روش زندگی (۴۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵). از عقل نشأت می گیرد.

۳. ارزش شناسی: عقل، منشأ شناخت همه ی خوبی ها و بدی ها است (۴۸) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۱). انسان با تفکر عقلی می تواند خوبی ها را بشناسد همانطور که می تواند بدی ها را بشناسد و زشت را از زیبا، صحیح را از غیر صحیح تشخیص دهد (۴۹) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹). و بطور کلی همانگونه که خالق خویش را می شناسد، حسن و قبح اشیاء را نیز درک می کند (۵۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۹). به علاوه عقل همانند دژ محکمی در برابر خواسته ها و خواهش های نفسانی قرار می گیرد و به راحتی آن را از پا درمی آورد (۵۱) (رضی، ۱۴۱۴: ح ۴۲۴ ۵۵۱).

۴. حقایق شناسی: این توانمندی عقل جنبه های مختلفی دارد از جمله ی آنها تمایز حق از باطل است. در روایات اسلامی عقل در قلب به چراغی تشبیه شده (۵۲) (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۹۸) که با نورش حقایق را آشکار می کند، بین حق و باطل تفاوت می گذارد و به صاحب خویش حق پذیری را القا می نماید (۵۳) (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸).

همچنین با راهنمایی عقل، انسان به حقایق دینی دست پیدا می کند؛ بدین جهت عقل را باید ابزار شناخت حقایق علوم الهی و معارف دینی دانست یعنی عمق حکمت به وسیله عقل استخراج شود (۵۴) (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۹۵). و از اینروست که شیخ

مفید صلاحیت عقل را برای شناخت برخی از احکام شرعی باور دارد. (مفید، ۱۴۳:۱۴۱۴).

یکی دیگر از مصادیق حقایق‌شناسی درک عالم غیب است که عقل انسان (چه فطری و چه تجربی، بدون کمک از وحی)، به دلیل محدودیتش در تعلقات دنیایی به تنهایی نمی‌تواند آن را بفهمد اما دامنه درک عقل با کمک وحی، بی‌نهایت است. عقل بشری در ارتقای خود و با راهنمایی و حیانی می‌تواند هر چیزی را بفهمد مانند عالم ملکوت، عالم برزخ و برخی از احکام عبادی گرچه بدون کمک از وحی، عقل بشر به آنها راه ندارد.

۵. عاقبت‌شناسی: عقل راهنمای مؤمن برای شناختن رستگاری (۱) ۵۵ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵)، تشخیص اعمال صالح از غیر صالح و چگونگی کسب بهشت است (۵۶) (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۵، ۲۰۵). در حقیقت رستگاری تنها از بستر عقلانیت حاصل می‌شود. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «لا یفلح من لا یعقل» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۶).

۶. منافع‌شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا: انسان برای دستیابی به زندگی مطلوب آخرتی از راهنمایی عقل کمک می‌گیرد، زیرا عاقل کسی است که به فکر تهیه‌ی زاد و توشه‌ی آخرت است (۵۷) (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۶) و هرگز دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دهد (۵۸) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۵۱) بلکه همواره کوشش می‌کند که آخرتش را آباد نماید (۵۹) (همان: ۶۰۸).

ب: توانمندی عقل در بعد عواطف: بخش زیادی از نقش‌های عقل در تعلیم و تربیت، مربوط به جنبه عاطفی عقل است یعنی انسان با توانمندی عاطفی عقل به خدا، اولیای الهی، ارزش‌ها، همسر دوستی، مردم دوستی و مانند آن‌گرایش پیدا می‌کند.

در روایات اهل بیت علیهم السلام بسیار بر این نقش عقل تأکید شده در زیر به چند مورد اشاره می شود:

حق پذیری و خضوع در برابر حقیقت: روحیه ی حقیقت پذیری نشانه عاقل بودن است (۶۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۶).

۲. الفت و انس گیری (۶۱) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷) حیا و گرایش به ارزش ها، رأفت، رحمت، رفق، تسلیم و رضا، از ویژگی های است که خدا در خلقت عقل قرارداد است (۶۲) (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۷).

۳. محبت به مردم اساس عقلانیت انسان بعد از ایمان به خدا است (۶۳) (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۵) و آنقدر مودت و محبت عملی با مردم، با ارزش است که نصف عقل دانسته شده است (۶۴) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۲، ۶۴۳).

ج: توانمندی عقل در بعد عملکردی: منظور از توانمندی عقل در بعد عملکردی این است که عقل کارهایی را انجام می دهد. همانطور که گفته شد از چهره های عقل، عقل عملی است که به غیر از ادراک فعل و عمل، اقدام به انجام دادن فعل و یا ترک می کند.

در زیر مواردی از کارکرد این توانمندی عقل در تعلیم و تربیت، بیان می شود: تلاش برای اندیشیدن: از کارکردهای عملی عقل، تفکر (۶۵) (بقره، ۲۱۹)، تعقل (۶۶) (نور، ۶۱)، تفقه و تدبیر (۶۷) (انعام، ۶۵) است. مشتقات واژه عقل، ۴۹ بار در قرآن آمده و به معنای وسیله ای برای درست اندیشیدن و شناخت حق از باطل است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۰۵).

کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی ها و اجتناب از اعمال زشت: از مهمترین کارکرد عقل در این بخش، رفتار نیکو و مواجهه اخلاقی مطلوب با دیگران (۶۸) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۳)، انجام عفت و پاکدامنی (۶۹) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۵۷۴)،

مروت داشتن و لکه دار نکردن عزت ملت و آیینش (۷۰) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹)، دوری از گناه و غرق نشدن در زینت‌های دنیوی (۷۱) (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۸۷)، راستگویی و پرهیز از دروغ (۷۲) (ورام، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۵؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۹)، تواضع (۷۳) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۱)، مهار کردن و باز دارندگی از خبائث و بدی‌ها (۷۴) (حرانی، ۱۴۰۴، ۱۵)، قناعت پیشه کردن (۷۵) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ۱۸)، عبادت و پرستیدن خداوند (۷۶) (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۲، ۳۱)، ترک امور غیر ضرور دنیا (۷۷) (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۷) است.

عبادت پروردگار (۷۸)، رعایت تقوای الهی و شکر الهی (۷۹) (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۷) پرهیز از منکرات و آمر به معروف (۸۰) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷) از عملکردهای عقل است همچنین وعده‌ای که می‌دهد در آن تخلف نمی‌کند، وقتی غضبناک شد، بردباری می‌نماید (۸۱) (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۲) و به طور کلی دینداری و عمل به احکام شرع از کارکردهای عملی عقل است (۸۳).

هدایت و تدبیر: عقل هم خود را و هم دیگری را هدایت و تدبیر می‌کند. عقل انسان در اداره کردن امور مختلف زندگی نقش اساسی دارد زیرا این عقل است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد و در واقع پیشوای فکر انسان است (۸۳) (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ۹۶).

امام علی علیه السلام درباره‌ی آن می‌فرماید: «...لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ۲۰). در روایات دینی فلسفه‌ی آفرینش عقل، هدایت عاقل به شمار آمده است (۸۴) (همان: ج ۱، ۲۹) یعنی عقل با کارکرد شناختش در حیطه‌های مختلف می‌تواند بعد از شناخت امور، با تدبیر کردن و اندیشیدن در راه و روش صحیح زندگی، صاحب خود را به منزلگاه سعادت هدایت کند.

تلاش برای میانه روی و دوری از افراط و تفریط: یکی از کارکردهای عملی عقل

تعادل در امور و پرهیز از افراط و تفریط (۸۵) (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ج ۲۰، ۲۸۶) و برگزیدن حد وسط در امور به عنوان بهترین عمل است (۸۶) (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۱، ۴۷۳).

نتیجه گیری

بر اساس احادیث اسلامی، عقل فطری با کمک وحی، دانش و تجربه، می تواند توانمندی های شناختی، عاطفی و عملکردی خود را بالا ببرد و انسانها را بگونه ای تربیت کند تا به هدف آفرینش و قرب الی الله برسند.

در آموزه های اسلامی، توانمندی شناختی عقل در شش دسته ی دین شناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی، حقایق شناسی، عاقبت شناسی و منبع شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا مطرح است.

و در حیطه توانمندی عاطفی، حق پذیری و خضوع در برابر حقیقت، گرایش و پذیرش حب و دوست داشتن و مواردی چون: رضا و تسلیم، پذیرش گذشت و بخشش دیگران، تواضع، حیاء مورد تأکید است.

و در قلمرو توانمندی عملکردی، تلاش برای اندیشیدن، کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی ها و اجتناب از اعمال زشت، عبادت پروردگار، رعایت تقوای الهی و شکر الهی، پرهیز از منکرات و آمر به معروف، هدایت و تدبیر و تلاش برای میانه روی و دوری از افراط و تفریط، مورد توجه است.

نقش عقل در سه حیطه فوق، با برداشت ثقه الاسلام کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۳ ح ۱۲، و محقق دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۹۸، از برخی آموزه های روایی که کار اصلی عقل را روشنگری، واقع نمایی، آینده نگری و قرار دادن انسان در مسیر عقاید، اخلاق و اعمال شایسته دانسته اند؛ هماهنگ است.

نقش توانمندی‌های سه‌گانه عقل در تعلیم و تربیت به صورت فهرست، در جدول زیر قابل مشاهده است:

توانمندی‌های عقلانی	نقش عقل در تعلیم و تربیت
۱. توانمندی‌های شناختی	۱-۱: دین‌شناسی
	۲-۱: انسان‌شناسی
	۳-۱: ارزش‌شناسی
	۴-۱: حقایق‌شناسی
	۵-۱: عاقبت‌شناسی
	۶-۱: منافع‌شناسی و ترجیح آخرت بر دنیا
۲. توانمندی‌های عاطفی	۱-۲: حق‌پذیری و خضوع در برابر حقیقت
	۲-۲: الفت و انس‌گیری، حیا و گرایش به ارزش‌ها، رأفت، رحمت، رفق، تسلیم و رضا
	۳-۲: دوستی با مردم
۳. توانمندی‌های عملکردی	۱-۳: تلاش برای اندیشیدن
	۲-۳: کوشش برای انجام اعمال صالح و خوبی‌ها و اجتناب از اعمال زشت
	۳-۳: عبادت پروردگار، رعایت تقوای الهی و شکر الهی، پرهیز از منکرات و آمر به معروف
	۴-۳: هدایت و تدبیر
	۵-۳: تلاش برای میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط

پی نوشت

- (۱) امام صادق علیه السلام: «دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ...».
- (۲) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ».
- (۳) امام کاظم علیه السلام: «دلیل العقل التفكير».
- (۴) امام کاظم علیه السلام: «أَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِعَقْلِهِ إِنْ لَمْ يُصَبِّ ذَلِكَ بِعِلْمِهِ».
- (۵) امام علی علیه السلام: «الْبَابُ حَازِمَةٌ ... وَ عَبْرَ فَاعْتَبِرُوا».
- (۶) « وَ يُذِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ».
- (۷) امام صادق علیه السلام می فرمایند خداوند به عقل فرمود: «و عزتی و جلالی ما خلقت أحب إلى منك».
- (۸) امام رضا علیه السلام: «الْعَقْلُ جِبَاءٌ مِنَ اللَّهِ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۲) همچنین فرمودند: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل... و ما ادى فرائض الله حتى عقله عنه ولا بلغ...؛ خداوند متعال میان بندگانش نعمتی برتر از عقل تقسیم نکرده است و بندگان فرائض الهی را به جا نمی آورند تا آنها را با عقل خود دریابند و...» (همان: ۱۳).
- (۹) امام علی علیه السلام: «قیمه كل امریء عقله».
- (۱۰) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ».
- (۱۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «قوام المرء عقله ولادين لمن لا عقل له؛ اساس موجودیت انسان عقل او است و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد».
- (۱۲) رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل... و ما ادى فرائض الله حتى عقله عنه ولا بلغ...».

- (۱۳) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ حَيْثُ كَانَ أَلْفٌ مَالُوفٌ».
- (۱۴) «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ التَّحَبُّبِ إِلَى التَّائِسِ».
- (۱۵) امیر مؤمنان علی علیه السلام: «لا غنى كالعقل ولا فقر كالجهل؛ هیچ بی نیازی همچون عقل و هیچ فقری همچون جهل نیست».
- (۱۶) «أَلَا وَإِنَّ اللَّبِيبَ مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَاءِ بِفِكْرٍ صَائِبٍ وَنَظَرٍ فِي الْعَوَاقِبِ».
- (۱۷) «الْعَقْلُ حِفْظُ التَّجَارِبِ».
- (۱۸) «الْعَقْلُ يَهْدِي وَيُنْجِي».
- (۱۹) امام علی علیه السلام: «لا يستعان علي الدهر الا بالعقل».
- (۲۰) امام علی علیه السلام: «ان الله تبارك وتعالى يحاسب الناس على قدر ما آتاهم من العقول في دار الدنيا؛ خداوند متعال مردم را به مقدار عقلی که در دنیا به آنها داده است محاسبه می کند».
- (۲۱) امام صادق علیه السلام: «إن الثواب على قدر العقل؛ ثواب و پاداش عمل به نسبت عقل است».
- (۲۲) «أَصْلُ الْعَقْلِ الْقُدْرَةُ وَتَمَرُّهَا السُّرُورُ».
- (۲۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبْتَ بِهِ الْحَيَّةَ وَطَلِبَ بِهِ رِضَى الرَّحْمَنِ».
- (۲۴) «قَدْ سَبَقَ إِلَى جَنَاتٍ عَدْنٍ أَقْوَامٌ مَا كَانُوا أَكْثَرَ التَّائِسِ لَا صَوْمًا وَلَا صَلَاةً وَلَا حَجًّا وَلَا اِعْتِمَارًا وَلَكِنَّهُمْ عَقَلُوا عَنِ اللَّهِ مَوَاعِظَهُ».
- (۲۵) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ غَرِيزَةٌ تَزِيدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ».
- (۲۶) اشاره به حدیث عقل و جهل است که مجموعه ای از توانمندی های شناختی، عاطفی و عملکردی را برای عقل بر می شمارد.
- (۲۷) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ عَقْلَانِ عَقْلُ الطَّبَعِ وَعَقْلُ التَّجْرِبَةِ وَكِلَاهُمَا يُؤَدِّي إِلَى الْمَنْفَعَةِ».
- (۲۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: «الْعَقْلُ نُورٌ خَلَقَهُ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ...».
- (۲۹) امام صادق علیه السلام: «وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ وَ...».
- (۳۰) امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصایای خود به هشام بن حکم فرمود: «قَالَ وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ
- عقل و دین، سال نهم، شماره هفدهم (پاییز و زمستان ۹۶) ►

الْحِكْمَةَ قَالَ الْفَهْمَ وَالْعَقْلَ» (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۶).

(۳۱) رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَرْبَعٌ يُلْزَمَنَّ كُلَّ ذِي حِجْرٍ وَعَقْلٍ مِنْ أُمَّتِي قِيَلِ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هُنَّ قَالَ اسْتِمَاعُ

الْعِلْمِ وَحِفْظُهُ وَنَشْرُهُ عِنْدَ أَهْلِيهِ وَالْعَمَلُ بِهِ» (رواندى، بی تا: ص ۱۸).

(۳۲) رك: هدايتى، محمد؛ شمالي، محمدعلى. (۱۳۸۸). جستاري در عقل نظري و عقل عملي.

نشریه معرفت فلسفی. سال ششم. شماره سوم. ۲۶۲-۲۱۳.

(۳۳) أمير المؤمنين عليه السلام: «العقل أن تقول ما تعرف وتعمل بما تنطق».

(۳۴) امام صادق عليه السلام: «دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ» (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵)؛ امام

على عليه السلام: «المؤمن كيس عاقل» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ص ۴۴).

(۳۵) امام صادق عليه السلام: «فمما اعطى العقل.... التعطف...».

(۳۶) رسول خدا ﷺ: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ»؛ «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ

الْعَقْلِ».

(۳۷) پیامبر اکرم ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ... وَالرَّأْفَةَ هَمَّهُ وَالرَّحْمَةَ قَلْبُهُ».

(۳۸) امام کاظم عليه السلام: «وَالسَّلَامَةُ فِي الدِّينِ... بِأَنْ يُكَمَّلَ عَقْلُهُ».

(۳۹) امام صادق عليه السلام: «... فبالعقل عرف العباد خالقهم وانهم مخلوقون وانه المدبّر لهم وانهم

المدبرون وانه الباقي وهم الفانون...»؛ «إن العاقل ليدلّاه عقله الذى جعله الله قوامه وزينته

وهدايته علم ان الله هو الحق وانه هو ربه»؛ رسول اکرم ﷺ: «... ورينا يعرف بالعقل ويتوسل اليه

بالعقل».

(۴۰) امام صادق عليه السلام: «... فبالعقل عرف العباد خالقهم وانهم مخلوقون وانه المدبّر لهم وانهم المدبرون و

انه الباقي وهم الفانون...».

(۴۱) امام کاظم عليه السلام: «الْعَقْلُ يُعْرَفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيَصْدُقُهُ وَالْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيُكَذِّبُهُ».

(۴۲) امام على عليه السلام: «أَصْلُ الْإِنْسَانِ نُبُوهُ وَعَقْلُهُ دِينُهُ»؛ «لا دين لمن لا عقل له»؛ «على قدر العقل يكون

الدين»؛ پیامبر اکرم ﷺ: «قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».

(٤٣) امام صادق عليه السلام: «دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ وَهُوَ دَلِيلُهُ وَمُبْصِرُهُ وَمِفْتَاحُ أَمْرِهِ فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ الثُّورِ كَانَ عَلِيماً حَافِظاً ذَا كِرَاءٍ فِطْناً فِيمَا فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَلِمَ وَحَيْثُ وَعَرَفَ مَنْ نَصَحَهُ وَمَنْ عَشَّهُ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ عَرَفَ مَجْرَاهُ وَمَوْصُولَهُ وَمَفْصُولَهُ وَأَخْلَصَ الْوَحْدَانِيَّةَ لِلَّهِ وَالْإِقْرَارَ بِالطَّاعَةِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مُسْتَدْرِكاً لِمَا قَاتَ وَوَارِداً عَلَى مَا هُوَ آتٍ يَعْرِفُ مَا هُوَ فِيهِ وَلَا يَشِيءُ هُوَ هَاهُنَا وَمِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ وَإِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ وَ...».

(٤٤) امام على عليه السلام: «معرفة النفس أنفع المعارف».

(٤٥) امام على عليه السلام: «من عرف نفسه فقد انتهى الى غاية كل معرفة و علم».

(٤٦) امام على عليه السلام: «الْعَارِفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ وَأَعْتَقَهَا وَزَهَّهَا مِنْ كُلِّ مَا يُبْعِدُهَا وَيُوقِفُهَا».

(٤٧) امام صادق عليه السلام: «دَعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ... فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ الثُّورِ... فَعَلِمَ بِذَلِكَ كَيْفَ وَلِمَ وَ حَيْثُ».

(٤٨) امام على عليه السلام: «العقل ينبوع الخير».

(٤٩) امام صادق عليه السلام: «عَرَفُوا بِهِ [العقل] الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ».

(٥٠) امام صادق عليه السلام: «فبالعقل عرف العباد خالقهم وَعَرَفُوا بِهِ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ».

(٥١) امير مؤمنان على عليه السلام: «الْعَقْلُ حُسَامٌ قَاطِعٌ... قَاتِلٌ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ».

(٥٢) بيا مبراهيم عليه السلام: «مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ».

(٥٣) رسول خدا صلى الله عليه وآله: «الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُقَرِّقُ بِهِ بَيِّنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ».

(٥٤) امام صادق عليه السلام: از امير المؤمنين عليه السلام نقل مى كند: «بالعقل استخراج غور الحكمة»؛ «و بالحكمة استخراج غور العقل».

(٥٥) امام صادق عليه السلام: «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ».

(٥٦) امام صادق عليه السلام: «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اَكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»؛ «مَنْ كَانَ عَاقِلاً كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

- (۵۷) امام علی علیه السلام: «من العقل التزود ليوم المعاد».
- (۵۸) امام علی علیه السلام: «من لم يؤثر الآخرة على الدنيا فلا عقل له».
- (۵۹) امام علی علیه السلام: «من عمر دار إقامته فهو العاقل».
- (۶۰) امام کاظم علیه السلام به هشام فرمودند: «تواضع للحق تكن أعقل الناس».
- (۶۱) امام علی علیه السلام: «العقل حيث كان آلف مألوف».
- (۶۲) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعَقْلَ ... الْحَيَاءَ عَيْنَهُ ... الرَّأْفَةَ هَمَّهُ وَ الرَّحْمَةَ قَلْبَهُ ... وَ الرَّفْقَ وَ وَ التَّسْلِيمَ وَ الرِّضَا».
- (۶۳) امام علی علیه السلام: «رأس العقل بعد الإيمان بالله عز وجل التحبب إلى الناس».
- (۶۴) امام علی علیه السلام: «التودد الى الناس نصف العقل».
- (۶۵) «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ».
- (۶۶) «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ».
- (۶۷) «أُنظِرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ».
- (۶۸) امام صادق علیه السلام: «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلاً أَحْسَنُهُمْ خُلُقاً».
- (۶۹) امام علی علیه السلام: «من عقل عفا».
- (۷۰) امام موسی کاظم علیه السلام: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا مَرْوَةَ لَهُ وَلَا مَرْوَةَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ».
- (۷۱) امام موسی کاظم علیه السلام: «إِنَّ الْعُقَلَاءَ تَرَكُوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الدُّنُوبِ».
- (۷۲) امام موسی کاظم علیه السلام: «يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ لَا يَكْذِبُ وَإِنْ كَانَ فِيهِ هَوَاهُ».
- (۷۳) امام صادق علیه السلام در بیان لشکریان عقل و جهل می فرماید: «والتواضع وضده الكبير»؛ یعنی [از جمله لشکریان عقل] تواضع است و کبر در برابر آن [از لشکریان جهل] است.
- (۷۴) پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله: «إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجُهْلِ وَ النَّفْسَ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَارَتْ».

(۷۵) امام کاظم علیه السلام در خطاب به هشام می فرماید: «مَنْ عَقَلَ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ وَ مَنْ قَنَعَ بِمَا يَكْفِيهِ اسْتَغْنَى».

(۷۶) رسول الله صلی الله علیه و آله: «لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةٌ وَ دِعَامَةُ الْمُؤْمِنِ عَقْلُهُ فَيَقْدِرُ عَقْلُهُ تَكُونُ عِبَادَتُهُ لِرَبِّهِ»؛ امام صادق علیه السلام: «ما عبد الله بشيء افضل من العقل».

(۷۷) امام کاظم علیه السلام: «إِنَّ الْعُقْلَاءَ تَرَكَوا فُضُولَ الدُّنْيَا فَكَيْفَ الذُّنُوبِ».

(۷۸) «العقل ما عبد به الرحمان».

(۷۹) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْعُقْلَ ... وَ قَوَاهُ بِ... التَّقْوَى وَ الشُّكْرِ».

(۸۰) «العقل منزّه عن المنكر أمر بالمعروف».

(۸۱) امام علی علیه السلام: «العقل أنك تقتصد فلا تُسرف و تعد فلا تُخلف و إذا غصبت حلّمت».

(۸۲) امام کاظم علیه السلام: «كما لا يقوم الجسد إلا بالنفس الحية فكذلك لا يقوم الدين إلا بالتيّة الصادقة

و لا تثبت التيّة الصادقة إلا بالعقل» (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۶). امام علی علیه السلام: «علی العاقل أن یخصی علی نفسه مساویها فی الدین و الرأی و الأخلاق و الأدب فیجمع ذلك فی صدره أو فی کتاب و یعمل فی إزاتیها»؛ بر عاقل است که بدی هایش را در دین، اندیشه، اخلاق و ادب یادداشت کند و به خاطرش بسپارد و برای از بین بردن آنها بکوشد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۵، ۶).

پیامبر صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (حرانی، ۱۴۰۴، ۵۴). عن ابن عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: «أَسَّسَ الدِّينَ الْعَقْلُ وَ فُرِصَتِ الْفَرَائِضُ عَلَى الْعَقْلِ» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱، ۴۸). قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: «هَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى آدَمَ علیه السلام فَقَالَ يَا آدَمُ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أُخْبِرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ فَاخْتَرَهَا وَ دَعَا اثْنَتَيْنِ فَقَالَ لَهُ آدَمُ يَا جَبْرَائِيلُ وَ مَا الثَّلَاثُ فَقَالَ الْعَقْلُ وَ الْحَيَاءُ وَ الدِّينُ فَقَالَ آدَمُ إِنِّي قَدِ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ فَقَالَ جَبْرَائِيلُ لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ انْصَرَفَا وَ دَعَاهُ- فَقَالَ يَا جَبْرَائِيلُ إِنَّا أُمِرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ قَالَ فَشَأْنُكُمَْا وَ عَرَجَ» (كلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۱۰).

(۸۳) امام علی علیه السلام: «العقول أئمة الأفكار».

(۸۴) امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْعَاقِلَ لِدَلَالِهِ عَقْلَهُ الَّذِي جَعَلَهُ اللَّهُ قِوَامَهُ وَزِينَتَهُ وَهُدَايَتَهُ عَلِمَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

وَإِنَّهُ هُوَ رَبِّيَّه».

(۸۵) امام علی علیه السلام: «الْعَقْلُ أَنْكَ تَقْتَصِدُ فَلَا تُسْرِفُ»

(۸۶) امام کاظم علیه السلام: «حَبِيرُ الْأُمُورِ أَوْسَاطُهَا».

منابع

- * قرآن کریم، (۱۴۱۵). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دارالقرآن الکریم.
۱. ابن ابی الحدید. (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۳). عوالمی اللثالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة. قم: دارسیدالشهداء للنشر.
 ۳. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). خصال. قم: جامعه مدرسین.
 ۴. _____ (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تهران: نشر جهان.
 ۵. _____ (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم: کتابفروشی داوری.
 ۶. _____ (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۷. _____ (بی تا). من لا یحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر الغفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۹. برونو، فرانک. (۱۳۷۳). فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی. تهران: طرح نو.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
 ۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
 ۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). شریعت در آینه معرفت. قم: نشر اسراء.
 ۱۳. _____ (۱۳۹۶). تفسیر تسنیم. قم: نشر اسراء.
 ۱۴. حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
 ۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: آل البیت علیهم السلام.
 ۱۶. دشتی، محمد. (۱۳۸۱). ترجمه نهج البلاغه. قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین علیه السلام.
- عقل و دین، سال نهم، شماره هفدهم (پاییز و زمستان ۹۶) ►

۱۷. دیلمی، حسن بن ابی الحسن. (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب. قم: انتشارات شریف مرتضی.
۱۸. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، (بی تا)، النوادر (لراوندی)، قم: دارالکتاب.
۱۹. رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغه. تحقیق و چاپ صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. عروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵). تفسیر نورالثقلین. قم: اسماعیلیان.
۲۲. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۷۵). روضه الواعظین. قم: رضی.
۲۳. فصیحی، امان الله. (۱۳۹۸). بررسی کارآمدی نظریه کارکرد گرای. معرفت فرهنگی اجتماعی. سال اول. شماره دوم. ص ۱۰۹ - ۱۳۱.
۲۴. فقیهی، علی تقی. (۱۳۸۹). نگرشی نو بر تاریخ فلسفه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۵. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. کراچکی، محمد بن علی. (۱۴۱۰). کنزالفوائد. قم: دارالذخائر.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۸. لیشی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیثی). قم: دارالحدیث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. _____ (۱۴۰۴). مرآة العقول. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد و همکاران. (۱۳۸۶). خردگرایی در قرآن و حدیث. ترجمه مهدی مهریزی، قم: مرکز اطلاعات و مدارك اسلامی.
۳۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
۳۳. مظفر، محمدرضا. (بی تا). اصول فقه. قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴). تصحیح الاعتقادات الامامیه. قم: کنگره شیخ مفید.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۶. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: آل البيت علیهم السلام.
۳۷. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰). مجموعه ورام. قم: مکتبه فقیهیه.
۳۸. هدایتی، محمد؛ شمالی، محمدعلی. (۱۳۸۸). جستاری در عقل نظری و عقل عملی. نشریه معرفت فلسفی. سال ششم. شماره سوم. ص ۲۶۲-۲۱۳.

